

سه دوره 7 ساله برای تربیت کودک در روایات



حجت‌الاسلام آقایی در جلسه تربیت اسلامی گفت: به جای مخالفت با کودکان در مرحله اول تربیت در مورد تقاضاهای نامطلوبشان، باید زمینه تقاضاهای نامطلوب را از بین ببریم. به شکلی باید رفتار شود که به روح سیادت کودکان در این مرحله لطمه وارد نشود.

حجت‌الاسلام آقایی در جلسه تربیت اسلامی گفت: به جای مخالفت با کودکان در مرحله اول تربیت در مورد تقاضاهای نامطلوبشان، باید زمینه تقاضاهای نامطلوب را از بین ببریم. به شکلی باید رفتار شود که به روح سیادت کودکان در این مرحله لطمه وارد نشود.

به گزارش خبرآنلاین، حجت‌الاسلام و المسلمین آقایی در ادامه سلسله مباحث تربیت اسلامی در آیین روایات که در مسجد هفتاد دو تن مجموعه فرهنگی شهدای انقلاب اسلامی «سرچشمه» برگزار می‌شود به نکات زیر اشاره کرد:

* طبق روایتی فرزندان ما 7 سال آقا و سید، 7 سال مطیع و در 7 سال وزیر خواهند بود. اگر رفتار و کردار آنها در این سالها راضی کننده بود که شما کار خود را در تربیت درست انجام داده اید، اما اگر نتیجه تربیت راضی کننده نبود شما عذرت پیش خداوند موجه است. تربیت فرزندان به اندازه‌ای نزد ائمه معصومین(س) مهم و با اهمیت است که بیش از چهل حدیث و روایت در این تربیت موجود است.

* امیرالمومنین(ع) می‌فرماید: «يُرْخَى الصَّبِيُّ سَبْعًا وَ يُؤَدَّبُ سَبْعًا وَ يُسْتَحْدَمُ سَبْعًا» کودک در هفت سال نخست زندگی آزاد گذارده می‌شود و در هفت سال دوم به آن ادب آموخته می‌شود و در هفت سال سوم به خدمت گرفته می‌شود. در روایات داریم که عقل فرزندان ما تا 30 سالگی تکمیل و از 30 سال به بعد در حال کسب تجربه است. در روایات مختلف سه دوره برای تربیت کودکان در نظر گرفته شده است.

* مرحله نخست در تربیت فرزندان، مرحله سیادت است و حرف اول و آخر آن آزادی مطلق کودک است. فرزندان ما در این مرحله ولع عجیبی به بازی دارند. باید والدین راه را برای بازی کودکانشان باز بگذارند. چند نکته مهم در 7 سال اول تربیت کودک وجود دارد که باید به آن توجه کرد. نکته اول این است که چگونه توقع اطاعت و فرمانبرداری از کودک داشته باشیم. باید توجه داشت که کودک در مرحله سیادت توقع فرمانبرداری و اطاعت از شما را ندارد. او فطرتاً خود را آقا و امیر می‌داند. کودک در این مرحله به هیچ عنوان نباید امر و نهی شود. بازی کار او و سرپیچی مرام او در این مرحله است.

* نکته دوم چگونگی پاسخ به درخواست‌های او است. در این شرایط کودک هر درخواستی داشته باشد والدین موظف به انجام آن هستند. آنها از زیر دست خود انتظار دارند اوامرشان را اطاعت کنند. در این شرایط اگر اوامر آنها رعایت نشود حق دارند فریاد زده و بی‌فرمانی و پرخاشگری کنند؛ نباید با درخواست‌های غیر منطقی کودکان در این شرایط به صورت مستقیم مخالفت شود. مخالفت با کودکان در این مرحله آثار منفی بسیار بدی به جای خواهد گذاشت. هرگاه کودک با نافرمانی مواجه شود اولین چیزی که به سراغ او می‌آید احساس ناامنی است.

* به جای مخالفت با کودکان در مرحله اول تربیت در مورد تقاضاهای نامطلوبشان، باید زمینه تقاضاهای نامطلوب را از بین ببریم. به شکلی باید رفتار شود که به روح سیادت کودکان در این مرحله لطمه وارد نشود. نکته سوم بحث نظارت و کنترل کودک است. کودکان در این مرحله بیش از پنج کیلومتر راه می‌روند. کودکان در این مرحله تاج سیادت بر سر داشته و در برخورد با او باید بنده و فرمانبردارش باشید. باید کودک احساس کند در کار او دخالتی نمی‌شود. به گونه‌ای باید بر او نظارت کنیم که او خودش را آزاد تصور کرده و احساس نظارت بر زندگی خود نکند.

* باید چنان وانمود شود که از دیدن رفتار و اعمال او قصد کارآموزی و آموزش دارید، نه بازخواست. اگر هم کودک اجازه نظارت نداد امر او مطاع و لازم الاجراء خواهد بود. ملاک برخورد این است که کودک خودش را محدود نداند. لازم است که مراقب باشیم هرگونه سد و موانع که آزادی کودک را محدود می‌کند از سر راهش برداشته شود. تعلیم و آموزش کودک باید غیر مستقیم و همراه با بازی و تفریح باشد. نباید کودک احساس کند که چیزی به او تحمیل شده است. باید از زبان تشویق برای منع کردن کودک از کاری و یا پاسخی که نامربوط است استفاده شود.